

نقش امام هادی (علیه السلام) در تفهیم جایگاه و مقام امام به شیعیان

Mentazer Mentazer

نقش امام هادی (علیه السلام) در آموزش امام داری به اصحاب آخرالزمان

علی النقی الهادی (علیه السلام) امام دهم شیعیان هستند. ایشان فرزند امام جواد (علیه السلام) بوده و عمر امامتشان 34 سال طول کشیده است. امام به دستور متوکل عباسی از مدینه به سامرا تبعید شده و در پادگان عسکریه به صورت محافظت شده زندگی می کردند. نقش امام هادی (علیه السلام) در تاریخ شیعه بسیار کلیدی و سرنوشت ساز است و ایشان در فشار و اختناق شدید به اجرای آن پرداختند. در این دوران حکام بنی عباس به شدت شیعیان را تحت فشار قرار داده بودند، امام و شیعیان از ارتباط با یکدیگر محروم بودند و امکان رسیدگی مستقیم به مسائل توسط امام وجود نداشت. فتنه اهل غلو و فتنه واقفیه از جدی ترین بحران های عصر ایشان بود که امام توانستند آنها را با تدبیر و نقشه ای دقیق رفع کنند.

تا پیش از دوران ولایت عهدی امام رضا (علیه السلام) جایگاه ائمه (علیهم السلام) ناشناخته و مهجور بود. ایشان نه می توانستند خود را به عنوان امام معرفی کنند و نه می توانستند هویت امام بعدی را فاش کنند. اغلب مردم ایشان را به عنوان فرد عالم و صالحی از اهل بیت (علیهم السلام) می شناختند، نه امام معصومی که حقوقی جدی بر گردن آنها دارد. معدود افرادی هم که ایشان را به عنوان امام می شناختند، آداب صحیح برخورد با امام و حقوق آنها را به درستی رعایت نمی کردند. مهم ترین نقش امام هادی (علیه السلام) این بود که جایگاه و مقام امام را برای مردم تشریح کردند و آن را در قالب زیارت نامه هایی مثل جامعه کبیره و غدیریه بیان کردند. شکل و آداب ارتباط با جایگاه امام از عصر ایشان تغییر کرد و هیبت و احترام ائمه (علیهم السلام) در میان مردم بیشتر شد. از آنجا که عصر ایشان به عصر غیبت مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نزدیک بود، ایشان باید به نحوی شیوه دور زیستن از امام را به اصحاب آخرالزمان مخابره می کردند. نقش امام هادی (علیه السلام) آن بود که چگونگی مدیریت جامعه و شیوه ارتباط گیری با امام و امام داری را با تاکتیکی نقطه زن به تمام کسانی که به دور از امام زیستن محکوم بودند، می آموختند. این شیوه چه بود و چه اثراتی داشت؟ شکل مدیریت شیعیان در عصر ایشان چگونه بود؟ شیعیان چگونه با امام ارتباط می گرفتند و صلاح

امورشان را می‌فهمیدند؟ امام راهکار تمام این سؤال‌ها را در تأسیس و تقویت یک سازمان وکالتی فوق‌پیشرفته دیدند. اگر مشتاقید جزئیات دقیق‌تری از این شبکه وکالتی و نقش امام هادی (علیه‌السلام) در حفظ و تقویت حیات شیعه بدانید، با ما همراه باشید.

شرایط عصر امامت امام هادی (علیه‌السلام)

امام هادی (علیه‌السلام) حدود هشت‌سالگی به امامت رسیدند. معتصم عباسی که از وجود این کودک نگران بود، شخصی را مأمور کرد به مدینه برود و دشمنی از دشمنان اهل‌بیت (علیهم‌السلام) را مسئول تربیت امام کند. او می‌خواست امام از کودکی بر ضد خاندان خود و موافق بنی‌عباس تربیت شوند. شخصی به نام جنیدی^۱ مأمور این کار شد. پس از مدتی از جنیدی احوال امام را پرسیدند. جنیدی گفت: او بچه است؟ من درسی از ادب می‌گویم و او باب‌هایی از ادب را برای من باز می‌کند و من استفاده می‌کنم. این‌ها عالم و حافظ و مفسر قرآن هستند. او ظاهراً کودک است، اما ولی‌الله است. او مصداق آیه «و او را در کودکی حکمت دادیم.»^۲ است، پس از مدتی این استاد به شیعه‌ای مخلص تبدیل شد.

متوکل از وجود امام در مدینه نگران بود و درحالی که امام 22 ساله بودند، ایشان را از مدینه به سامرا تبعید کرد.^۳ امام هادی (علیه‌السلام) نفوذ بسیار عمیقی بین مردم داشتند و برخلاف ائمه پیش از امام رضا (علیه‌السلام) علناً از امامت خود صحبت می‌کردند. شیوه پیش‌برد هدایت مردم توسط امام طوری بود که حتی متوکل هم از آزار علنی ایشان می‌ترسید.

متوکل کسی بود که با دیگران مثل حیوان برخورد می‌کرد و حتی علما و بزرگان فرقه‌های مهم را مثل حیوان به بند می‌کشیدند و به خدمت او می‌بردند. او از بزرگان سلفی‌گری بود و اهل سنت را به شدت حمایت می‌کرد. اصلاً اهل سنت تا قبل متوکل به

عالم و مفسر مشهوری که دشمن جدی اهل بیت (علیهم‌السلام) بود.^۱

سوره مریم، آیه 12^۲

شیرازی زنجانی، محمدجواد، اثبات الوصیه و مسعودی صاحب مروج الذهب، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، بی تا، ص 230^۳

احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، محمد ابراهیم آیتی، تهران: مولی، 1402، ج 2، ص 484^۴

«جماعت» معروف بودند و او نام آنها را به اهل سنت تغییر داد. او از محبان علی (علیه السلام) بیزار بود و حتی اموال آنها را مصادره می کرد.⁵ متوکل هم مثل مأمون عباسی ادعای علم و درس و بحث داشت. او فردی تندخو و متکبر بود و فقط نظر خود را می پسندید. مثلاً اگر کسی در مناظراتی مثل مناظره خلق قرآن نظری خلاف او می داد، به شدت مجازات می شد.⁶

نوع مدیریت قلوب و امامت امام در آن دوران طوری پیش رفت، که نوع خطاب متوکل نسبت به ایشان حیرت انگیز است. او جرئت نمی کند از لفظ تبعید استفاده کند، بلکه می گوید: امیرمؤمنان مشتاقی زیارت شما و تجدید عهد با شماست. مشتاقیم از فیوضات شما بهره مند شویم. ما به شما علاقمندیم و شما نزد ما محترمید.⁷ درحالی که پس از ورود امام به سامرا ایشان را وارد سرای گدایان کردند و بعد از مدتی خانه ای محقر در عسکریه برای ایشان مشخص کردند.

متوکل حاکمی ضد شیعه بود و به شدت شیعیان را در تنگنا گذاشته بود. آورده اند او چنان شیعیان را به فقر و تنگ دستی کشانده بود، که لباسی برای پوشیدن نداشتند، چه رسد به غذایی برای خوردن. برخی زنان شیعه لباسی برای پوشاندن عورت شان نداشتند و حتی نمی توانستند جلوی هم راه بروند. زنان یک خانواده باید یک لباس را به نوبت برای خواندن نماز می پوشیدند و پس از نماز به دیگری تحویل می دادند.

فقر شیعه در دوران امام هادی (علیه السلام) به جایی کشیده شد که ایشان به بیان احادیث طبی روی آوردند، تا از بیماری ناشی از فقر شیعیان جلوگیری کنند. امام و شیعیان کاملاً تحت کنترل بودند و اجازه هیچ حرکتی نداشتند. فرقه واقفیه جان گرفته و دست و پاگیر امام شده بودند. متوکل راه های تقویت تشیع مثل زیارت کربلا را بسته بود و قبر مطهر امام حسین (علیه السلام) را تخریب کرده بود.⁸ شیعیان مشوش و آواره شده بودند و دستشان به جایی بند نبود. راه های ارتباطی امام در سامرا بسته شده بود و بعضی خواص با ترفند و نقشه می توانستند مخفیانه با امام ملاقات کنند.

5. ج 1، ص 478. احمد صقر، قم: مکتبه الحیدریه، 1423ق اصفهانی، ابوالفرج، مقال الطالبین.

6. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البدایه و النهایه، خلیل شحاده، بیروت: دارالفکر، 1398، ج 10، ص 316.

7. الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، قم: مؤسسه آل البيت، 1413ق، ج 50، ص 333 مفید، محمد بن محمد.

8. ص 478. احمد صقر، قم: مکتبه الحیدریه، 1423ق اصفهانی، ابوالفرج، مقال الطالبین.

دو فتنه مشکل‌ساز عصر امام هادی (علیه السلام)

برای آنکه نقش امام هادی (علیه السلام) را بهتر بشناسیم، باید از بحران‌های عصر ایشان آگاه باشیم. ایشان در مدت امامت‌شان با دو بحران جدی مواجه بودند. این فتنه‌ها برای امام دردرساز شده و امام مجبور بودند وقت زیادی را برای کنترل و مدیریت آنها صرف کنند؛ فتنه اهل غلو و فتنه واقفیه.

1- فتنه اهل غلو:

نقش امام هادی (علیه السلام) در سال‌های پایانی عمر 250 ساله امامت اهل بیت (علیهم السلام) مدیریت ماهرانه فتنه‌هایی بود که سال‌ها به این خاندان زخم زده بودند؛ فتنه‌هایی مثل فتنه اهل غلو. این گروه که به آنها غلات یا غالیه هم گفته می‌شود، مأمورین مخفی حکومت بودند، تا امام جامعه را از صدر به پایین بکشند. شیوه کار آنها نسبت دادن بیش از حد فضایل به امام نبود، زیرا هیچ فضیلتی برای امام زیاد نیست. غلو یعنی به امام نسبت خدایی بدهیم و ایشان را جای خدا بنشانیم. این فتنه‌گران به امام عقاید خرافی نسبت می‌دادند و با مخلوط کردن حق و باطل به حق ضرر می‌رساندند.

آنها محبان اهل بیت (علیهم السلام) را جذب می‌کردند و امام را مطابق میل و هدف شوم خودشان تعریف می‌کردند. مردم هم با شنیدن ادعای نامعقول در مورد امام نسبت به امام بی‌اعتماد شده و از اطراف ایشان پراکنده می‌شدند. غلات به احکام دین پای‌بند نبودند و حتی نماز هم نمی‌خواندند، بعضی از آنها خود را باب امام معرفی می‌کردند و وجوهات شرعی مردم را برای خودشان برمی‌داشتند.

بالین که غلات در زمان ائمه قبله هم وجود داشتند، اما در عصر امام هادی (علیه السلام) پررنگ‌تر شدند. از آنجا که امام هادی (علیه السلام) علناً اعلام امامت می‌کردند، رشد جمعیت غلات طبیعی بود. جریان ننگین غلو باعث می‌شد، که حضرت نتوانند جایگاه‌شان را به راحتی معرفی کنند. امام هرچه می‌گفتند، غلات از آن سوءاستفاده کرده و آن را تأیید ادعای خدایی ائمه (علیهم السلام) می‌دانستند.

نقش امام هادی (علیه السلام) آن بود که دست این گروه را از دین کوتاه کند. ایشان با نامه‌نگاری به معرفی و افشاگری آنها پرداختند و گاهاً دستور قتل بعضی را صادر می‌کردند.⁹ مثلاً دروغ‌گویی به نام فارس بن حاتم ادعای باییت امام داشت، وقتی حضرت به هیچ طریقی نتوانستند شر او را کم کنند، دستور قتل او را صادر کردند و شخصاً هزینه آن را پرداخت کردند.

2- فتنه واقفیه

فتنه واقفیه در میان شیعیان بزرگ‌تر از فتنه سقیفه بنی‌ساعده در میان مسلمانان است. این فتنه شکاف عمیقی بین شیعیان ایجاد کرده بود و نقش امام هادی (علیه السلام) این بود که این شکاف را پر کنند. واقفیه گروهی از شیعیانند که معتقد بودند امام کاظم (علیه السلام) شهیده نشده و از نظرها غیب شده‌اند، آنها می‌گفتند امام کاظم (علیه السلام) همان مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هستند و رجعت خواهند کرد، پس در امامت امام کاظم (علیه السلام) توقف کردند و به [امامت امام رضا](#) (علیه السلام) تن ندادند. دلایل مختلفی مثل طمع مالی، حسادت و شبهات عامل این فتنه بود.

در طول تاریخ با چند نوع دیگر از واقفی‌گری هم مواجه هستیم؛ مثل توقف در رسول الله (صلی الله علیه و آله)، توقف در امیرالمؤمنین، توقف در امام باقر، توقف در امام صادق و توقف بر امام عسکری (علیه السلام). نقش امام هادی (علیه السلام) در کنترل این فتنه بسیار مؤثر بود و عمده سران واقفی در عصر ایشان به دامان شیعه برگشتند. امام با روش‌های مختلفی با آنها ارتباط می‌گرفتند؛ روش‌های مثل مناظره، کرامات، اخبار غیبی و اخلاق نیکو و ...

انقلابی در فهم شیعه نسبت به جایگاه امام

در توری تاریخ می‌بینیم هیبت ائمه پایانی (علیهم السلام) نسبت به هیبت ائمه ابتدایی (علیهم السلام) خیلی بیشتر است. آورده‌اند که در زمان سایر ائمه (علیهم السلام) آن قدر مقام و جایگاه امام نزد مردم ناشناخته بود، که بسیاری اوقات حرمت آنها شکسته می‌شد؛ مثلاً

مشهد: نشر دانشگاه مشهد، 1409، چاپ اول، ص 517 کشی، محمدین عمر، اختیار معرفه الرجال المعروف به رجال الکشی، محمدین حسن طوسی،⁹

شخصی به منزل امام صادق (علیه السلام) وارد شد و چون نسبت به علم غیب و چشم دل امام معرفت نداشت، مخفیانه به کنیز ایشان دست‌درازی کرد. در تاریخ آمده که به ائمه (علیهم السلام) ناسزا می‌گفتند، اما در عصر امام هادی (علیه السلام) این اتفاق‌ها نمی‌افتد. درک هیبت امام به‌وسیله شناخت ایجاد می‌شود و فهم شیعه نسبت به جایگاه امام را مدیون نقش امام هادی (علیه السلام) هستیم. نقش امام هادی (علیه السلام) این بود که حقیقت و هیبت امام را با روش‌های مختلف به مردم آموزش بدهند. ایشان رنج‌های بسیاری در این راه کشیدند و آسیب‌های بسیاری دیدند. گفتیم امام با بعضی برخوردهای جدی و ضربتی با فتنه‌گرهایی مثل غلات برخورد کردند. ایشان علاوه بر این اقدامات سلبی، به روش‌های دیگری هم برای تفهیم و آموزش مقام امام روی آوردند. نقش امام هادی (علیه السلام) در این برهه از تاریخ این بود که صراحتاً به روشن‌گری و تبیین امامت و غدیر بپردازند. امام در عصری زندگی می‌کردند که متوکل از امیرالمؤمنین (علیه السلام) بیزار بود. او جشن‌های دوره‌ای علیه ایشان برگزار می‌کرد و فراخوان می‌داد که هر که علی (علیه السلام) را بهتر مسخره کند، جایزه می‌گیرد.¹⁰ در این شرایط سخن گفتن از امیرالمؤمنین (علیه السلام) هزینه بسیار سنگینی داشت. امام هادی (علیه السلام) می‌توانستند در این شرایط تقیه کنند و خود را حفظ کنند، اما خود را ندیده و خرج امیرالمؤمنین (علیه السلام) کردند. نقش امام هادی (علیه السلام) آن بود که سرمنشأ خطای فکری مردم را اصلاح کنند و سرمنشأ این خطا به نقض پیمان غدیر برمی‌گشت. پس ایشان خود را خرج غدیر کرده و مداح و وکیل مدافع حقوق غصب‌شده امیرالمؤمنین (علیه السلام) شدند. سپس روی کرد جدیدی آغاز کردند و برخلاف ائمه پیشین (علیهم السلام) به بیان احادیث و روایات معرف مقام امامت پرداختند. سایر ائمه (علیهم السلام) معمولاً احادیث را به‌عنوان عضوی از آل رسول‌الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بیان می‌کردند، اما امام هادی (علیه السلام) این تابو را شکستند و جایگاه‌ها را تغییر دادند. این نقش امام هادی (علیه السلام) آن قدر مهم و کلیدی بود، که ایشان را خطیب شیعه نامیدند. با اینکه هشتاد درصد احادیث شیعه را امام صادق (علیه السلام) روایت کرده‌اند، اما چون امام هادی احادیث را علناً از زبان امام معصوم بیان می‌کردند، ایشان را خطیب اهل‌بیت (علیهم السلام) می‌نامند.

ج 1، ص 477 تا 479. احمد صقر، قم: مکتبه الحیدریه، 1423ق طبری، محمدبن جریر، تاریخ طبری، ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر، 1394، ج 9، ص 185/ اصفهانی، ابوالفرج، مقاتل الطالبین،¹⁰

امام با ارائه دو زیارت‌نامه موفق شدند، امامت و جایگاه امام را تبیین کنند. زیارت جامعه کبیره و زیارت غدیریه مثل دو رساله فوق‌پیشرفته دانشگاهی می‌توانند، امام‌شناسی و شیعه‌شناسی را برای مشتاقان حلاجی کنند. نقش امام هادی (علیه‌السلام) در این دو پیمان‌نامه تخصصی و آموزشی آن است که رمز رسیدن به توحید را به بشر بیاموزند و بشر بفهمد که تنها راه رسیدن او به خدا امام است.

امام در شرایطی به این روشن‌گری می‌پردازند، که در حصر و خفقان به سر می‌برند و عده‌ای کفتار انسان‌نما به نام غلات منتظرند از کلام ایشان سوءاستفاده کنند، پس در همان ابتدای زیارت جامعه با به‌کاربردن رمز «الله‌اکبر» به تمام تلاش‌های غلات دست رد می‌زنند. این یک فن و راز بزرگ است، تا غلات نتوانند امام و خدا را با هم مقایسه کنند.

نقش امام هادی (علیه‌السلام) در جامعه کبیره و زیارت غدیریه نقشی تلطیف‌کننده و مبدل است. آن مفاهیم سنگین و غیرقابل‌هضم معرفتی که مخصوص علما و خواص بود، توسط امام هادی (علیه‌السلام) وارد زیارت عمومی شد. ایشان بحث‌های مخصوص ززاره‌ها و ابوبصیرها را به قلب مردم کوچه‌وبازار و محافل کشاندند. امام هادی (علیه‌السلام) فهم و معرفت شیعیان را ارتقاء دادند.

شبکه وکالتی امام هادی (علیه‌السلام)

امام در حصر بودند و چندان امکان دسترسی به ایشان وجود نداشت. شیعیان در انجام امورشان به مشکل خورده بودند و نیازمند امام بودند، تا راه را به آنها نشان بدهند. نقش امام هادی (علیه‌السلام) این بود که شیعیان را به صورت گروهی در کنار هم قرار بدهند و هسته جامعه اسلامی را شکل بدهند. ایشان توسط سیستم شبکه وکالتی توانستند، شیعیان عالم را به نظم و انسجام خوبی برسانند و سرمشق دقیقی برای دوران غیبت منجی آخرالزمان مشخص کنند.

اگرچه تشکیلاتی سری در زمان امام باقر (علیه‌السلام) به وجود آمده بود، اما شبکه وکالتی اهل بیت (علیهم‌السلام) توسط امام صادق (علیه‌السلام) از زمان روی کار آمدن بنی‌عباس تشکیل شد و فعالیت این مجموعه در دوران امامین عسکریین (علیهم‌السلام) اوج گرفت.

سازمان وکالتی امام هادی (علیه السلام) سازمانی نظام مند و منسجم بود. ساختار این سازمان را می توانیم به یک هرم تشبیه کنیم. هک رهبر سازمان در رأس هرم قرار دارد. سلسله مراتب این سازمان به شرح زیر بود:

● رهبر سازمان: امام هادی (علیه السلام) رهبر سازمان بودند و کلیدی ترین نقش را ایفا می کردند؛ وظایفی مثل انتخاب و معرفی وکلای مناطق مختلف، مشخص کردن وظایف وکلا، نظارت بر عملکرد وکلا، تأمین مالی و عزل و نصب آنها، افشاگری جریان های کاذب و وکلای دروغین، حراست و حفاظت از سازمان وکالت.

● باب: مرتبه بعدی سازمان را وکلای خاص و برجسته در زمان غیبت صغری تشکیل می دادند، که به آنها باب می گفتند. ابواب هم راهی برای ورود شیعیان به ساحت اهل بیت (علیهم السلام) بودند، هم مانعی برای دسترسی دشمنان به اهل بیت (علیهم السلام) به حساب می آمدند. باب و وکیل الوکلای امام هادی (علیه السلام) عثمان بن سعید نام داشت. او بر کار سایر وکلا نظارت داشت و پاسخ گوی مسائل شرعی و امورات سیاسی و اجتماعی شیعیان بود. مدیریت امور مالی شیعیان هم به عهده وکیل الوکلا بود. عثمان معاونینی داشت، که به او در انجام امور کمک می کردند.

● وکلای ارشد: از طرف رهبر سازمان برای هر منطقه خاص یک وکیل ارشد انتخاب می شد. نواحی گوناگون تحت نفوذ شبکه امام به چهار مجموعه منطقه تقسیم می شدند و چهار وکیل ارشد در سازمان حضور داشت، که هر منطقه در اختیار او بود.

● هر وکیل ارشد دارای زیرمجموعه ای از وکلای جزء بود، که مأمور رسیدگی به امور مناطق زیرمجموعه آنها بودند.

● وکلای محلی: نامه ها و وجوهات شرعی را به وکیل ارشد منطقه خودشان منتقل می کردند.

● وکلای خادم: این افراد فقط در خدمت امام بودند و کارهای شخصی امام را انجام می دادند.

● وکلای سیار: نمایندگان ائمه که به صورت سیار بین محل استقرار امام و وکلای هر منطقه در گردش بودند. این افراد وظیفه ایجاد ارتباط بین امام و وکلای نواحی را به عهده داشتند و وجوهات و اخبار را بین امام و وکلا منتقل می کردند.

● وکلای مُبَلَّغ: برخی اصحاب که شأن علمی و معنوی بالایی داشتند، برای ترویج فقه امامیه به مناطق مختلف اعزام می‌شدند. این افراد محل رجوع شیعیان برای سؤالات و شبهات می‌شدند، مثل حضرت عبدالعظیم حسنی. این سازمان نقش ارتباطی، مالی، سیاسی، علمی، ارشادی، مبارزاتی و حفاظتی داشت. سازمان وکالتی نقشی مقدماتی برای ورود شیعه به عصر غیبت بر عهده داشت.

پیغام ویژه امام هادی (علیه‌السلام) برای اصحاب آخرالزمان

شاید اغلب ما این‌طور فکر کنیم که امام هر عصری صرفاً مختص همان عصر است و سایر دوران‌ها نیازی به شناخت و بررسی سیره و تاریخ او ندارند. درحالی‌که همه اهل بیت (علیهم‌السلام) انسانی واحد هستند، که 250 سال عمر کرده است. نقشی که امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در تاریخ ایفا کرده‌اند، هیچ‌گاه از نقش امام هادی و سایر ائمه (علیهم‌السلام) جدا نیست. تمام این سلاطین عالم به دنبال تحقق یک هدف هستند و جزئیات رفتاری و کلام هر کدام از ائمه (علیهم‌السلام) برای تمام دوران‌ها به‌ویژه آخرالزمان سرشار از درس و نکته است. شیعه آخرالزمان که محکوم به محرومیت فیزیکی از امام است، چاره‌ای ندارد جز آنکه راه و رسم امام‌داری را از ائمه پیشین بیاموزد.

نقش امام هادی (علیه‌السلام) از سرنوشت‌سازترین قطعه‌های پازل تمدن‌سازی الهی است. از آنجا که عصر امام به عصر غیبت نزدیک می‌شد، ایشان سیستم‌ها و نقشه‌های کاربردی را یکی پس از دیگری برای الگوگیری اصحاب آخرالزمان اجرا می‌کردند. شاید بتوانیم بگوییم 3 اقدام از اقدامات امام هادی (علیه‌السلام) می‌توانند، رمز صعود اصحاب آخرالزمان به قلّه امام‌داری و برپایی حکومت جهانی موعود شوند:

● غدیر شناسی

امام تلاش کردند به شیعیان بیاموزند که بدون معرفت به امام، بدون آسیب‌شناسی نقض پیمان غدیر و بدون آموختن و تمرین شبانه‌روزی سبک زندگی تشکیلاتی الهی نمی‌توانند، به برپایی دولت کریمه موعود دست پیدا کنند. نقش امام هادی (علیه‌السلام)

نقش استادی قدرت‌مند بود که عملاً مراحل سلوک آخرالزمانی را به شیعیان آموزش می‌داد. شیعه باید بداند سرچشمهٔ تمام رنج‌ها و بیچارگی‌های دنیا از بدعهدی نسبت به پیمان غدیر است. اگر مردم به دست بیعت‌شان با امیر غدیر وفادار می‌ماندند، سعادت دنیا و آخرت‌شان تضمین شده بود. آسیب‌شناسی خیانت سقیفه‌بنی‌ساعده کمک بزرگی به بیداری و هوشیاری شیعه می‌کند. وقتی شیعه متوجه شود که دوری و محرومیت از امام چه مصیبت اعظمی برای او رقم می‌زند، برای شناخت امامش مضطر می‌شود. نقش امام هادی (علیه‌السلام) ایجاد این اضطرار در قلب‌های شیعیان بود.

• امام شناسی

القبای معرفت به امام را باید پای درس اهل‌بیت (علیهم‌السلام) و اولیاءالله آموخت، اما خود امام را نه. امام را نه پای منبرها و لابه‌لای صفحات کتب می‌توان یافت، نه در شور و هیجان هیئت‌ها و سخنرانی‌ها. امام را فقط در میانهٔ میدان عمل امام‌داری می‌توان پیدا کرد. امام در گوشهٔ قلب هر کدام از ما به نظاره ایستاده که چگونه با ردائل و منیت‌ها مبارزه می‌کنیم و به شباهت بیشتری با ایشان می‌رسیم.

• سبک زندگی تشکیلاتی الهی

از مهم‌ترین جایگاه‌هایی که می‌تواند آموزشگاه و پادگان خوبی برای آموختن و تمرین امام‌داری باشد، محلی است به نام تشکیلات الهی. امام هادی (علیه‌السلام) با تشکیل و تقویت شبکهٔ وکالتی قوی و سری، چگونگی زیستن در جامعهٔ محروم از امام را به اصحاب آخرالزمان آموختند. شیعه باید می‌آموخت که ایمان به غیب از رسوم امام‌داری است، اما ایمان مراتبی دارد که این مراتب را می‌توان در دامان ولایت‌مداری در یک تشکیلات الهی طی کرد. از سختی‌های زیستن در آخرالزمان آن است که باید عملاً تصویری از ایمان به غیب را در تبعیت بی‌چون و چرا از ولی و فرماندهات به تصویر بکشی.

تنفس و تمرین در یک تشکیلات الهی و تن دادن به سلسله مراتب‌ها و بایدها و نبایدهای یک تشکیلات می‌تواند، ابراهیم بُت‌شکن قلب ما شود. ابراهیمی که بُت‌های منیت، غرور، خودخواهی، تبلی و ... را در قلب ما می‌شکند و راه را برای ورود امام به قلب ما باز می‌کند.

شبکه وکالتی راهکاری هوشمندانه و نقطه‌زن برای چگونگی مدیریت جامعه در عصر غیبت و تربیت نفس انسان در بطن شبکه تشکیلاتی بود. شیعه آخرالزمان ناچار است قرن‌ها دور از امام زندگی کند و برای ادامه حیات الهی و تربیت نفس راهی جز تربیت و ساختن خود در کشاکش رنج‌ها و مسئولیت‌های تشکیلات الهی ندارد. تشکیلاتی که رأس هرم آن، که امام هستند، غایب است. شیعه باید عیار امام‌داری‌اش را در میدان ولایت‌مداری از وکلا و فرماندهان امام محک بزند. وکلا و نایبین در هر عصر و دوره‌ای فرق می‌کنند. روزی عثمان و سعید بودند و امروز ولایت‌فقیه، مراجع تقلید و فرماندهان تشکیلاتی‌مان؛ در نتیجه میزان تبعیت قلبی و صادقانه ما از این وکلا بازتاب و گزارشی قطعی از درجه خلوص ما در امام‌داری است.

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer